



کتابخانه مدرسه لیبہ لیبہ

پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

احیای واژه‌های نامفهوم و گم‌شده

زبان فارسی

به حکمت زبان ارمنی

تتبعات و تحقیقات در مورد زبانهای ایرانی و ارمنی که شباهتهائی بین آنها موجود است سالها بطول انجامید. «پوپ» (Pope) مطالعاتی در زبان فارسی و ارمنی نمود بعداً «وندیشمن» و «یطرمان» و «دلاکارد» و «فریدریچ-میولر» فقط مطالعات و تحقیقاتی جداگانه در زبان ارمنی نمودند. این دانشمندان با در نظر داشتن اینکه واژه‌های بیشماری از زبان فارسی و زبان ارمنی وجود دارد زبان ارمنی را مانند زبان اوستا و پهلوی یکی از رشته‌های زبان ایرانی دانسته‌اند. فقط «هیوبشمان» Hubshmann در آثار مشهور خود مفصلاً تلفظ صداهای کلمات متشابه ارمنی

نوشته: ۳۳ م . نالبدیان

ترجمه: آرا هوانسیان

وزبانهای دیگر هند و اروپائی را بررسی کرد و پس از تطبیق کلمات مترادف ارمنی و ایرانی اولین بار ابراز نمود که عقاید دانشمندان درباره زبان ارمنی اشتباه تشخیص داده شده و اعلام داشت که زبان ارمنی رشته‌ای از زبان ایرانی نیست بلکه زبانی است مستقل و یکی از شاخه‌های هم‌رديف زبان هند و اروپائی بشمار میرود.

پایه زبان هند و اروپائی که از طرف دانشمندان و علماء تائید و استوار گشته است طبق تتبعات پروفیسور هراچیا آجاریان حاوی ۲۲۲۳ کلمات ریشه‌ای است از این کلمات ریشه‌ای زبان ارمنی ۷۱۳ کلمه و زبان ایرانی ۴۳۲ کلمه حفظ کرده‌اند (کتاب «تاریخ زبان ارمنستان» تألیف پروفیسور آجاریان صفحه ۲۳ ملاحظه شود).

ولی از کلمات ذخیره و احیاء شده زبان هند و اروپائی که پایه زبان اولیه بوده زبان ارمنی و اروپائی (هند و ایرانی) فقط ۱۸ کلمه حفظ کرده‌اند. با این ترتیب روشن میشود که زبانهای فارسی و ارمنی که از زبانهای هند و اروپائی میباشند دارای روابط خویشاوندی نزدیک نیز هستند و مشابه بودن قسمتی از کلمات بخوبی هویدا است.

درعین حال زبان ارمنی هنگام تکامل و پیشرفت و در نتیجه دارا بودن شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در ادوار مختلف ترکیب کلمات خود را تا اندازه‌ای از فارسی گرفته است. بطوریکه معلوم و مشخص است از قریب یازده هزار کلمات ریشه‌ای ۱۴۰۰ کلمه آنها از زبان ایرانیست.

کلمات بیشماری نیز وجود دارند که فارسی بودن آنها فرضی و خیالی است ولی ذخیره کلمات فارسی قدیمی که بحد کافی حفظ شده است امکان نمیدهد که آنرا تأیید شده تلقی نمود تا کنون موضوع یکی بودن زبانهای ارمنی و فارسی را بطور یقین نمیتوان حل شده دانست ولی میتوان گفت که ترکیبات زبان ارمنی تا اندازه‌ای کلمات فارسی راغنی کرده که يك قسمت

عمده آن تا کنون در ترکیب کلمات در زبان ارمنی حفظ شده بطوریکه اغلب برای ساختن کلمات نومورد استفاده قرار میگیرد.

برخی از این کلمات بشرح زیراند:

۱- کلماتی که مربوط به اعضاء بدن انسان است «Andam» کلمه ارمنی (در اوستا برابر است به «Handaman» در پهلوی «Andam» در فارسی جدید «اندام»).

کلمه «DIMAK» کلمه ارمنی در زبان پهلوی برابر است به «DEMAK» که در فارسی جدید «دیمام» میگویند و غیره.

۲- کلماتی که مربوط به خویشاوندی و بستگی میباشد «HARAZAT» کلمه ارمنی (بزبان اوستا برابر است به «HAOAZAT» و بزبان پهلوی «HADAZAT» میگویند) «HERECHTAK» کلمه ارمنی (در اوستا برابر است به «FRAESTA» در پهلوی برابر است به «FRESTAK» در فارسی جدید «فرشته» میگویند) و غیره.

۳- کلمات معمولی که همه روزه استعمال میشود «AZAD» کلمه ارمنی (در اوستا «AZATA» و در پهلوی «AZAT» و در فارسی جدید «آزاد» میگویند). «BATGAM» کلمه ارمنی - در فارسی قدیم «PAITI-GAMA» در پهلوی «PATGAM» و در فارسی جدید «پیغام» میگویند و غیره.

ارتباط کلمات فارسی و ارمنی در ادوار مختلف زبان فارسی (سه دوره باستان، میانه و جدید) متفاوت اند و بطوری که مشهود است دنباله زبان قدیمی ملی در دوره‌های گوناگون بوده است بنابراین در ادوار مختلف و با ترقی و پیشرفت و دارا بودن وضعیتهای گوناگون طبق یکی از زبانهای محلی به پایه زبان ادبی رسیده است.

تردیدی نیست که این اقتباس بیشتر در دوره‌های اشکانیان و کمتر در ادوار دیگر انجام گرفته است اما تغییر طرزهای اصلی اغلب روشن نیست.

معلوم است ادبیاتی که در ادوار مختلف خیلی قدیم بزبان فارسی بمارسیده بسیار ناچیزند- بنابراین در تاریخ زبان فارسی نقصانهائی بوجود آمده است. مثلاً جزئیات زبان فارسی از دوره‌های پیشین (۳۳۰-۲۵۶) و همچنین از دوره‌های عرب (۶۴۳) بمارسیده و آنچه از دوره‌های دیگر بمارسیده است فاقد ارزش میباشند.

فارسی باستان در کتیبه‌های میخی که در بیستون - تخت جمشید - همدان - تنگ سوئز - شوش - نقش رستم و وان پادشاهان هخامنشی از خود باقی گذارده اند. در سالهای ۵۲۲-۳۳۸ قبل از میلاد مسیح حکاکی شده بمارسیده در کتیبه‌های فوق‌الذکر پانصدواژه از زبان فارسی باستان باقی مانده است. بنابراین این مقدار کلمات حتی بسختی میتواند بطور کامل تصویر ذخیره شده کلمات فارسی باستان را بشناساند. اینها در معنی کلماتی هستند که بطور معمول در دستورها و احکام دولتی و مخصوصاً در فرمانهای پادشاهان بکار میرفته است. تردیدی نیست که در اینها کلمات معمولی که هنگام تکلم بکار برده میشوند مربوط بزنگی روزانه است و وجود ندارند.

از زبان پهلوی اشکانی (۲۵۶-۲۲۶ قبل از میلاد) نیز آثار بسیار ناچیزی باقی مانده است که عبارتست از توهارهای «اورامان» و نوشته‌ها و عین آثار پیروان مافی که در «تور فان» (واقع در ترکستان چین) بدست آمده است. اما از دوره‌های ساسانیان آثار ادبی بزبان پهلوی موجود است که موضوع آن تا اندازه‌ای مذهبی بوده و یکنواخت میباشند. بنابراین در اینها جز ذخیره کلمات کاملاً روشن نیست. بعلاوه ادبیاتی که بزبان پهلوی بمارسیده الفبای آن ناقص میباشند بطوریکه اغلب صحیح خواندن آن غیر مقدور است.

بعضی از کلمات که در گذشته وجود داشته‌اند برای اینکه اشکال و موجود بودن آنها را بدانیم زبان سانسکریت، که شبیه بزبان فارسی باستان است، بماند امکان میدهد تا یکی از شکل‌های حروف قدیمی فارسی را که در دسترس نیست، احیاء نمائیم و همچنین زبانهای مختلف که هم‌ریشه زبان ایرانی هستند نیز

گوشه‌های گوناگون ایرانی می‌توانند کاملاً مورد استفاده دانشمندانی که در این باره مطالعاتی بعمل می‌آورند، قرار گیرند .

اما برای رفع نقائصی که در بالا گفته شد زبان ارمنی اهمیت شایانی دارد چون در زبان ارمنی کلمات بیشماری وجود دارد که از زبان فارسی گرفته شده و شکل قدیمی اصلی آنها در زبان ارمنی وجود نداشته و یا تغییر عمده کرده‌اند که درک اشکال اصلی آنها توسط زبان فارسی و یازبانهای وابسته به آن غیر مقدور است ، ولی قسمت عمده آنها را میتوان توسط زبان ارمنی پیدا و روشن کرد .

ما بعضی از آنها را در اینجا که از کتاب مشهور «Armeische Gramatik» تألیف «هیوبشمان» در قسمت کلماتی که از زبان فارسی گرفته شده و بعداً از طرف استاد هراچیا آجاریان مفصلاً بررسی و منظم گشته و در « فرهنگ واژه‌های ریشه‌ای » و در جلد اول «تاریخ زبان ارمنستان» آمده است ، عیناً نقل میکنیم .

در ارمنی « Zindakapet » (درجه افسر ایرانی) « Aparhayik » (نام گروه ایرانی) « Matian » (نام گروه جاویدان ایرانی) و لغات دیگر که در هیچیک از زبانهای ایرانی حفظ نشده است ولی حتماً فارسی میباشند چون معنی آنها درجه و مقام ایرانی را میرساند .

ضمناً باید یادآور شد که لغات نامبرده تا به امروز در زبان ارمنی مورد استفاده قرار نمیگیرند و این واژه‌ها بوسیله ادبیات کلاسیک ارمنی بما رسیده‌اند .

در زبان ارمنی لغات مرکب وجود دارند که یکی از ترکیببات آن ایرانی است ولی هیچ یک از آنها در زبانهای ایرانی وجود ندارد بدین دلیل تمام این کلمات باید فارسی باشند .

مثلاً «Navakatik» ایرانی «Nava» ارمنی «Nor» بطوریکه پروفیسور هراچیا آجاریان در کتاب «تاریخ زبان ارمنی» جلد اول در صفحه ۳۱۶ نوشته

است کلماتی هستند که فقط در زبانهای ارمنی و اوستا موجود میباشند مثلاً کلمه ارمنی «Kakhard» زبان اوستا «Kaxvarada» کلمه ارمنی «Harazat» بزبان اوستا «Haozata» میگویند و غیره و غیره.

این کلمات نه در زبان فارسی باستان و نه پهلوی و نه در زبان فارسی جدید میباشند ولی چون در زبان اوستا هست بنابراین ریشه آن ایرانی است و چون در زبان ارمنی هست از اینرو حتماً باید در زبان فارسی نیز بوده باشد.

(این موضوع در کتاب «تاریخ زبان ارمنستان» تألیف پروفیسور هراچیا- آجاریان چاپ ایران در سال ۱۹۴۰ جلد اول صفحه ۳۱۶ قید گردیده است) طبق مدارک موجوده در زبانهای متشابه اینطور باید تصور کرد که کلمه ارمنی از زبان ایرانی گرفته شده است و در زبانهای پهلوی باید «Parmayam» بوده باشد که در زبان فارسی باستان باید شکل «Parima» میبود.

کلمه ارمنی «Venasse» فارسی جدید «گناه» زبان پهلوی «Vinasse» به زبان سانسکریت «Vinaca» اینطور باید تصور کرد که در فارسی باستان حتماً این کلمه با تغییر کوچکی در زبان فارسی باستان بوده است.

بدین ترتیب کلماتی که اقتباس و در زبان ارمنی حفظ شده با کمک همان کلمات میتوان اغلب اشکال و اژه‌های قدیم که بما نرسیده‌اند احیاء نمود. بطوریکه در بالا متذکر شدیم اقتباس کلمات در زبان ارمنی بطور کلی در دوره اشکانیان بوقوع پیوسته است. کلماتی که در زبان ارمنی از زبان پهلوی اشکانی گرفته شده مربوط به کلیه پیشرفتهای تمدن و طبیعت و مذهب و علوم انسانی و غیره میباشند از قبیل حیوانات - خانواده - اجتماعی - کشاورزی گله‌داری - دادوستد - علم و هنر - رنگها - آشامیدنی و خوراکی - خانه و خانه‌داری - وزن و اندازه - فلزات - زمان - فاصله - محل و سازمانهای دولتی - در اینجا به کلماتی برمیخوریم مانند: کلمه ارمنی «BRINDZ» فارسی جدید برنج - کلمه ارمنی «KARMIR» (قرمز) بزبان پهلوی «KARMIR» «KAPUT» (کبود) به پهلوی (KAPOT) فارسی «کبود» «SPITAK» (سفید)

به پهلوی «SPETAK» فارسی جدید- «سفید» «KARAG» (کره) به پهلوی (KARAK) فارسی جدید (کره) و غیره و غیره کلمات مزبور در زبان ارمنی مصطلح و تا کنون هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. زبان ارمنی تقریباً دو بیست کلمه از نخبه‌ترین کلمات فارسی را حفظ کرده است در صورتیکه از این کلمات در زبان امروز فارسی اثری نیست.

تعدادی از همین کلمات ارمنی تا به امروز بدون تغییر صدا و با تغییر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این کلمات بکلماتی برمیخوریم مانند کلمه ارمنی «AZG» (به معنی ملت) در پهلوی «AZG» میگویند که در فارسی امروز نموده و ملت معنی ساختگی دارد.

کلمه ارمنی «ACHKHATEL» (کار کردن) در پهلوی (AXSAT) «ASPATAK» (اسب سوار) به پهلوی (ASPATAK) «BAJAK» (استکان) به پهلوی (BAZVAK) «DESPAN» (سفیر) به پهلوی (DESPAN) «HAVASSAR» (برابر) به پهلوی (HAVASSAR) «PARISP» (دیوار بلند) به پهلوی (PARISP) «VERMAK» (لحاف) به پهلوی (VERMAK) «SAHMAN» (مرز) به پهلوی (SAHMAN) «ARMAV» (خرما) به پهلوی (ARMAV).

کلمات نامبرده نه فقط در زبان فارسی ناپدید شده بلکه اشکال اولیه آنها در زبان پهلوی بطور کلی ناهلوم میباشند زیرا اشکال اصلی در نسخه‌های پهلوی مشخص نگردیده‌اند. برای این قبیل کلمات در «فرهنگ ریشه زبان ارمنی» علامت ستاره یا استفهام گذارده شده است.

فارسی دان معروف روبن ف. آبراهامیان اسناد و مدارکی را که در دست داشته مورد استفاده قرار داده و اشکال اولیه واژه‌های نامبرده را احیاء کرده (اقتباس کلمات گم شده از زبان پهلوی تألیف پروفیسور روبن آبراهامیان جلد سوم چاپ ارمنستان ۱۹۴۸)

برای احیای واژه‌های نامفهوم فارسی تحقیقات از لحاظ تلفظ کلمات کمک زبان ارمنی اهمیت فوق‌العاده دارد چون زبان ارمنی تلفظ کلماتی که از پهلوی اقتباس نموده عیناً حفظ کرده است ضمناً باید در نظر داشت کلماتی که ریشه آن از «آرامی» سرچشمه گرفته‌اند کلیه اسناد و نوشته‌های قدیم و جدید که همان زبان پهلوی است تلفظ صداها را بطور کامل منعکس نمی‌نماید.

بطوریکه در بالا گفته شد کلماتی که از زبان پهلوی اقتباس شده است در دو دوره یکی در دوره اشکانیان و دیگری در دوره ساسانیان گرفته شده‌اند. اغلب عین کلمه در دو دوره دوبار گرفته شده است. بدیهی است که این اقتباس از نظر طرز و شکل با یکدیگر تفاوت دارند ولی در باطن یکی هستند و در ادوار مختلف نیز تلفظ همین کلمات یکسان بوده‌اند. مثلاً کلمه ارمنی «Achkhar» از دوره اول گرفته شده است. یعنی هنگامیکه این کلمه در زبان پهلوی «Xsabor» زبان فارسی قدیم «Xsaora» تلفظ میشد در زبان اولین حرف «RH-NR-A» اضافه شده و کلمه تغییر یافته است.

بار دوم این کلمه در دوره ساسانیان از شکل «Sahr - Satre» بزبان ارمنی منتقل شده و کلمات «Chahab» و «Chahastan» را تشکیل داده است.

بدیهی است که این قبیل اقتباسها در دوره اول بیشتر اهمیت دارند و اقتباس ارمنی هم از همان دوره میباشند. این امر در زبانهای پهلوی و ارمنی از حرف «Z» بخوبی مشخص میشود مثلاً زبان پهلوی کلمه «Arzan» بزبان ارمنی «Artjan» و در فارسی جدید «ارزان» میگویند. و همچنین یکسان و برابر بودن حرف «V» در زبانهای پهلوی و ارمنی در پهلوی کلمه «Varaz» که از دوره پارتها گرفته شده هنگامیکه حرف «V» تبدیل به حرف «G» نشده بود مثلاً کلمه «Varag» در پهلوی را در فارسی جدید «Goraz» میگویند در صورتیکه بزبان ارمنی همان «Varaz» حفظ شده است.

خلاصه زبان ارمنی تلفظ کلمات را در دوره اشکانیان بدون تغییر حفظ

کرده در صورتیکه فارسی جدید آنرا از خود رانده است. علت این امر تغییرات و تبدیلات زبان فارسی بوده که در دوره ساسانیان و شاید هم در ادوار گذشته انجام گرفته است.

در زبان پهلوی «A» و «A» (کوتاه و کشیده) در زبان ارمنی یکسانند یعنی همان «A» میباشد.

مثلاً کلمات ارمنی «AZG» (ملت) و «AZD» (اعلام) «ANDAM» (اندام) کلیه این واژه‌ها در زبان پهلوی با حروف «A» کوتاه شروع میشوند ولی کلمات زیر «ZNDAN» (زندان) «ACHKARA» (آشکار) «AZAD» (آزاد) در پهلوی اولین حرف آنها با «A» کشیده شروع میشوند در صورتیکه بخوبی میدانیم حرف «A» کوتاه زبان پهلوی در فارسی جدید «A» کشیده شده است مثلاً اندام - «درم» و غیره. حرف «O» در زبان پهلوی در فارسی جدید در تمام مراحل برابر با حروف «U» میباشد در صورتیکه در زبان ارمنی تلفظ این حرف طبق قاعده مخصوص تعبیر میشود - مثلاً در زبان پهلوی «PATMACAN» نخست «PATMOIJAN» بوده بعداً «PATMOIJAN» (همرنگ) زبان پهلوی «GONAK» (نخست) «GOUNAKI» بوده بعداً «GOUNAKI» شده است.

در زبان پهلوی حرف «U» در فارسی جدید به حرف «O» تبدیل شده در صورتیکه در زبان ارمنی تغییر نکرده است و تابع قاعده تغییرات و تلفظ کلمات میشود و در میان کلمه حرف «O» حذف میشود.

مثلاً در پهلوی کلمه «DURUST» در زبان ارمنی «DRDUST» در فارسی جدید «درست» شده است.

از طرفی حرف (پ) زبان پهلوی در فارسی جدید تبدیل به حرف (ب) میشود.

مثلا کلمه «APAT» به پهلوی در فارسی جدید آبا است. کلمه «ASP» به پهلوی در فارسی جدید «اسب» و غیره و غیره.

حرف «V» (و) زبان پهلوی در فارسی جدید تبدیل به حرف «ب» شده در صورتیکه در زبان ارمنی بدون تغییر باقی مانده است با این وصف معلوم است که حرف «V» ممکن است تبدیل حرف «V» به «B» بعد از قرن پنجم انجام گرفته باشد.

دو حرف «FR» زبان پهلوی مساوی به دو حرف «HR» زبان ارمنی است.

مثلا زبان پهلوی کلمه «FRAMAN» در زبان ارمنی «HRAMAN» است کلمه «FRESTAK» در زبان ارمنی «HRECHTAK» (فرشته) و غیره این تغییر مختص بزبان پهلوی (پارتهای جنوبی) است که در زبان فارسی جدید اصلا وجود ندارد - کلماتی که در زبان پهلوی با دو حرف «AK» ختم میشوند در زبان ارمنی به همین شکل باقی مانده اند در صورتیکه در فارسی جدید تبدیل به حرف «A» و «E» شده اند.

مثلا کلمه «DEPAK» بزبان پهلوی بزبان ارمنی «DIPAK» و بزبان فارسی جدید «DIBA» (دببا) میگویند کلمه NEZAK در پهلوی بزبان ارمنی «NIZAK» و فارسی جدید «نیزه» میگویند. بنابراین با کمک زبان ارمنی احیای کلماتی که در زبان فارسی نامفهوم هستند آشکار میشود.

کلماتی که در بالا به آنها اشاره شد بطور کلی یاد در زبان فارسی حفظ شده یا تلفظ آنها تغییر کرده اند در صورتیکه زبان ارمنی بدون کوچکترین تغییر آنها را نگاه داشته است.

اشکال منطبق ارمنی تصاویر قدیمی را نشان داده و بجا امکان احیاء نمودن

کلمات فارسی را می‌دهد که فوق‌العاده با ارزش است. همانطور که تاریخ تلفظ زبان ایرانی و همچنین بمنظور ازدیاد کلمات زبان فارسی و تکمیل کلمات فارسی امروزی که مورد استفاده عموم هستند.

باحدی پوشیده نیست که بسیاری از کلمات عربی داخل زبان فارسی شده‌اند که در حال حاضر میکوشند کلمات فارسی جایگزین آنها گردد طبیعی است که با کمک زبان ارمنی میتوان گروهی از کلمات فارسی را که فراموش شده است مجدداً وارد زبان فارسی جدید نمود.

نامهای خاصی در زبان ارمنی مورد استفاده قرار میگیرند که تصور میکنند اصل این نامها از نامهای ملی ارمنه‌اند در صورتیکه قسمت اعظم آنها از زبان پهلوی گرفته شده‌اند.

مثلاً نام خاص ارمنی «ARCHAM» در زبان قدیم فارسی «ARSAMA» گفته میشد این نام از دو کلمه تشکیل شده است «ARSA» بمعنی «خرس» و «AMA» بمعنی «زور» یعنی کسی که «زور خرس دارد» نام خاص ارمنی «BAGRAT» در زبان فارسی قدیم «BAGADATA» میگفتند «BAGA» در فارسی قدیم به معنی «خدا» است و «DATO» بمعنی «داده» معنی آن دو با هم «خداداد» است.

با وجود اینکه این اسامی خاص فارسی بوده فارسی‌زبانها با سختی آنها را تلفظ میکنند در صورتی که میبایستی از اسامی نامبرده بالا استفاده میکردند.

در زبان ارمنی اسامی خاص دیگری هم وجود دارند که اصل و ریشه آنها فارسی است ولی ترکیب آنها از نظر تلفظ و صدا ارمنی است. مثلاً نام خاص ارمنی «ANOUCHAVAN» در زبان پهلوی «ANOSHRUBANA» بمعنی روح جاویدان که در زبان جدید فارسی «نوشیروان» شده است. «AROUSSIAK» (ارانوس) به پهلوی (ARUS).

چون از موضوع این مقاله خارج است که درباره اسامی خاص بحث کنیم ولی برای روشن شدن اذهان خوانندگان باید متذکر شد که اسامی خاص ایرانی که در زبان ارمنی حفظ شده است کمک زیادی برای تکمیل اسامی تاریخی ایران خواهد نمود و با در نظر گرفتن قوانین تلفظ کلمات ارمنی تا حد امکان اشکال درست و اصلی آنها را میتوان یافت.

